



یادداشت

وفور کالا با قیمت گران و جیب خالی جز حسرت به چه کار می آید؟

صادق کار



تعدادی از رسانه های حامی دولت هر از چندی گزارشاتمی در مورد افزایش واردات کالاهای خوراکی در ماه های بعد از انتصاب رئیسی به ریاست جمهوری منتشر می کنند. روزنامه تسنیم یکی از رسانه های وابسته به سرمداران سپاه پاسداران و از حامیان پر و پا قرص رئیسی در گزارشهای خود حتی تعداد کشتی های لنگر گرفته در بنادر را که مملو از مواد غذایی همچون گندم و برنج و کالاهای مشابه هستند را نیز ذکر می کند.

البته دلیل افزایش واردات مواد غذایی نسبت به سال پیش می تواند بخاطر کاهش تولید این محصولات در اثر کم آبی و خشکسالی باشد و به همین دلیل ممکن است تاثیر زیادی در افزایش ذخیره اقلام خوراکی نداشته باشد. چرا که هم اکنون خبرهای زیادی در مورد کمبود برنج و گران شدن ناگهانی قیمت آن مطرح است و بعضی از خبرها از کمبود برنج در ایام نوروز حکایت دارند.

غرض از انتشار این گزارشها که معلوم نیست چقدر درست باشند، به نظر می رسد بیشتر به خاطر آسوده کردن خیال مردم از بابت کمبود این قسم کالاها در صورت بی نتیجه ماندن مذاکرات وین و تشدید تحریم و القاء توانایی حکومت در دور زدن تحریمها باشد.

فارغ از دلایل و مقصود از انتشار این نوع گزارشها، اما انتشار آنها مادامی که به نتیجه رسیدن مذاکرات وین محرز نشده باشد موجب آسودگی خیال عده زیادی نخواهد شد. زیرا در صورت شکست مذاکرات تحریم ها تشدید و به تبع آن سفارش کالا و تامین منابع مالی آنها دشوارتر از پیش خواهد شد و کالاهای موجود نیز پس از مدت کوتاهی ته خواهند کشید و قیمت مواد غذایی و دارو آنقدر بالا خواهد رفت که پرداخت بهای شان از عهده عده کمی بر خواهد آمد.

وفور کالا با وجود افزایش مداوم قیمت و کاهش قدرت خرید مردم تنها ممکن است موجب انبساط خاطر عده قلیلی که توان پرداخت بهای آن را دارند بشود. ولی برای کسانی که هم اکنون نیز امکان پرداخت بهای ضرورتی نیازهای روزمره شان را ندارند، تنها باعث حسرت و خشم خواهد شد. بهمین خاطر طرفداران دولت بهتر است فکری به حال قدرت از دست رفته خرید ده ها میلیون ایرانی رانده شده به زیر خط فقر و فقر مطلق بکنند.

دولت با وعده رونق بخشیدن به سفره های تهی شده مردم و کاهش تورم و قیمت کالاهای اساسی و مسکن کارش را شروع کرد، اما تا کنون با در پیش گرفتن سیاست شوک درمانی و حذف ارز ۲۲۰۰ تومانی مختص کالاهای خوراکی، گران کردن سوخت و انرژی و طفره رفتن از افزایش دستمزد حقوق بگیران شاغل و بازنشسته سفرها را تهی تر از گذشته کرد.

پیامدهای شوک درمانی در زمان دولت هاشمی رفسنجانی را که به تورم ۵۰ درصدی، فقر و فلاکت گسترده ی مردم، نیمه کاره ماندن و پوسیدن صدها طرح پر هزینه مختلف و رکود تولیدی و افزایش بدهی های کشور منجر شد و به نام سازندگی به خورد مردم داده شد هنوزاز یادها نرفته است.



سیاستی که با وجود ضربات شدیدی که بر کشور وارد کرد، با اندکی تغییر و تعدیل توسط دولت‌های بعد از رفسنجانی نیز تا کنون دنبال و دولت رئیسی نیز به شکل بدتری همان سیاست‌های رفسنجانی را دارد دنبال می‌کند.

هم از این رو انتظار می‌رود که نتایج اجرای شتابانه تر آن سیاست‌ها به فجایع بیشتری نسبت به زمان رفسنجانی منجر شود. دست بر قضا افزایش قیمت دلار ۷ تومانی به ۱۶۵ تومان در زمان رفسنجانی درست به همان دلایلی انجام گرفت که در دولت روحانی و رئیسی انجام گرفت. رفسنجانی می‌خواست خسارات جنایات جنگی رژیم و خودش را که با تداوم جنگ و افزایش کشتار و ویرانی ایران و عراق بعد از فتح خرمشهر بر مردم تحمیل کرده بود از جیب مردم تامین کند که به رغم خالی کردن جیب مردم ناکام ماند و و میلیاردها پول مردم را به باد فنا داد. روحانی و رئیسی نیز برای تامین کسر بودجه شان و هزینه های دستگاه سرکوب و سیاست‌های نظامی گرانه خود همین کار را کرده و می‌کنند.

شکست سیاست تعدیلی رفسنجانی در شرایطی رخ داد که ابعاد تحریم‌های اقتصادی بسیار کمتر از امروز و روابط آمریکا و غرب و کشورهای منطقه با دولت رفسنجانی نسبتاً حسنه بود و رفسنجانی صاحب نفوذترین مهره رژیم به حساب می‌آمد.

حالا در شرایطی که گرانی و تورم همه مرزهای تا کنونی را پشت سر نهاده و به رغم اینکه کارشناسان مختلف نسبت به عواقب فاجعه بار تصمیمات اقتصادی دولت هشدار می‌دهند و خواهان توقف آنها هستند هر روز که می‌گذرد دولت طرح دیگری از جنس همان طرح‌ها را برای جبران کسر بودجه اش رو می‌کند. طرح جدید مالیات ۹ درصدی بر ارزش افزوده، تازه ترین از این نوع طرح‌هاست که به گفته کارشناسان اقتصادی به گرانی بیشتر کلیه کالاها و خدمات و تورم می‌افزاید. این مالیات تازه با اینکه بیشتر افزودن بر مالیات صاحبان کسب و کار را مد نظر دارد، اما در عمل مصرف کنندگان هستند که باید تاوان آن را بپردازند. صاحبان کسب و کار از این امکان برخوردارند که با بالا بردن قیمت کالاها و خدماتی که تولید و عرضه می‌کنند، درآمد خود را افزایش دهند. ولی مزد و حقوق بگیران و سایر تهی‌دستان فاقد سرمایه و ملزومات کسب و کار و حتی کسبه خرده پا امکانی برای جبران افزایش هزینه‌های خود ندارند و ممکن است بسیاری از آنان ورشکسته شوند.

با این همه جبران کسر بودجه با زدن از سفره مردم شاید از نظر حکومت یک راه حل به نظر برسد، ولی راه کاری است موقت و غیر قابل دوام و با خطرات بسیار برای خود حکومت. راه حل‌های مناسب و موثر البته برای مدیریت بحرانهای کشور ما وجود دارد و نیروی توانا و متخصص و آزاد اندیش، هم کشور ما برای انجام این کار کم ندارد. اما نه حکومت حاضر است به آنها تن بدهد و نه با وجود این حکومت پر فساد و ناکارآمد و بی اعتبار نزد مردم بحرانهای موجود قابل رفع هستند.

در شرایط کنونی آن عاملی که می‌تواند موجب توقف رویکرد شوک درمانی و آزاد سازی قیمت‌ها گردد، گسترش اعتراضات مطالباتی کارگران و مزد بگیران و تلاش برای جلب همراهی همه گروه‌هایی است که از این رویکردها بیشترین آسیب را خواهند دید. روشنفکران خواهان عدالت و آزادیخواهان مخالف شوک درمانی نباید به انتقاد صرف از این سیاست‌ها اکتفا کنند، آنان باید نقش درخوری در بسیج و سازماندهی نیروهای عدالتخواه علیه این سیاست‌ها به عهده بگیرند و از مبارزات و اعتراضات گروه‌هایی که مبارزات شان مضمون عدالتخواهانه دارد دفاع نمایند. انتقاد صرف نه تا کنون اثری در جلوگیری از اجرای سیاست‌های این چنینی داشته و نه از این به بعد هم خواهد داشت. زمان عمل است!

از مبارزه کارگران و کلیه مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد و حقوق بگیران حمایت کنیم!

از مبارزات معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته برای رتبه بندی واقعی و دیگر مطالبات حق طلبانه آنان حمایت کنیم!

افزایش واقعی دستمزدها و حقوق بازنشستگی مستلزم مبارزات گسترده، متحدانه و سازمانیافته است!



کار بی ثبات: قاعده یا استثنا در سرمایه داری؟ بخش دوم

الویسا بتی



بازاندیشی کار و سرمایه در قرن 21

در بررسی مباحث مربوط به کار بی ثبات و نقش آن در تاریخ سرمایه داری نمی توان مفاهیم "کار" و "سرمایه" [و بنابراین "سرمایه داری"] را بدیهی دانست، زیرا این مفاهیم در طول تاریخ سرمایه داری دستخوش تغییرات بسیاری در ساختار، شکل و محتوای شان شده اند. ایلین بوریس (Eileen Boris)، پژوهنده تاریخ کار و فمینیست، در یکی از آخرین پژوهشهای پیرامون مناسبات اجتماعی حاکم بر بی ثباتی، بر اهمیت تحلیل تحول مفهوم کار و همچنین "هر آنچه برای اشتغال اهمیت دارد" تأکید می کند. آندریا کوملوسی، یک مورخ فمینیست دیگر که به مطالعه تاریخ جهان اشتغال دارد، در تحلیلی جامع از سرمایه داری، مناسبات کار و کارفرما و کار بی ثبات در ارتباط با هم، کار مزدی ثابت را به عنوان نوع مسلط کار در سرمایه داری تاریخی و معاصر، زیر سوال می برد و انواع دیگر کار، به شمول کار بی ثبات را، انواع مسلط کار ممکن اعلام می کند.

پژوهندگان دیگری چون دیتو (De Vito)، بوریس و کسلر-هاریس (Kessler-Harris) نیز، در پژوهشهایشان بر این نکته انگشت گذاشته اند که چرخشهای جهانی و جنسیتی در تاریخ کار، موجب تغییر ساختار کار و سپس بازتعریف مفاهیم "کار" و "غیرکاری" (اوقات نامرتبط به کار: non-work) به وسیعترین و محدودترین معنا شده بوده اند. تا همین چند دهه پیش نوع ایدئال کار "کار (آزاد) دستمزدی" در صنعت بود که در اروپای غربی و آمریکای شمالی یک قاعده تلقی می شد. رسمی شدن مفهوم "کار" بر تعریف خود طبقه کارگر تأثیر گذاشت و موجب گسترش معنایی آن شد. این گسترش معنایی به یمن مورخان فمینیست و جهانی کار حاصل شد.

چنان که رویکردهای غیر غربی نشان داده اند، عادی شدن کار "آزاد" دستمزدی در اروپای غربی و آمریکای شمالی منجر به بیرون ماندن طیف گسترده ای از فعالیتهای مربوط به معیشت و تولید مثل از قلمرو مفهوم کار شده بوده است. فعالیتهای بدون درآمد منظم و دستمزد، بدون زمان کاری کاملاً تعریف شده و محل کار مشخص، همگی "غیر کاری" محسوب شدند، زیرا این فعالیتهای انحرافهایی از مدل قاعده مند کار تلقی می شدند.



میدان جمهوری، پاریس، ۲۰۱۶: "این یک بحران نیست، این خود سیستم است به مرور و با تثبیت بیشتر این مناسبات، این مدل قاعده شده در جریان فوردیسم به مدل فراگیر تبدیل شد. با توجه به سلطه تولید انبوه صنعتی، "کار" برای آن که کار باقاعده یا نرم تلقی شود، در واقع می بایست ثابت و تمام وقت باشد. این "واقعیت" باز هم به بیرون ماندن گروه های وسیعی از کارگران، و بیشتر از همه زنان، از قلمرو "کار" مناسب می انجامید. تعجب آور نیست که قاعده مند سازی "کار" به عنوان یک رابطه شغلی تمام وقت و پایدار زمانی به اوج خود رسید که نظام فوردیسم گرفتار بحران شده بود. چنان که برخی از تاکید کرده اند، یک تعریف جامع از نظام فوردیسم و همچنین مناسبات کاری (Gambino) و گامبینو (Jessop) محققان همچون جسوپ رایج در آن، تنها در تضاد با ظهور یک پارادایم جدید پسافوردیسم فرموله شده است.

روند قاعده مند سازی و رسمیت بخشی به "کار"، که با ابداع "مدل و مناسبات اشتغال استاندارد" به عنوان یک مدل جهانی به اوج رسید، پیش زمینه لازم برای درک این زاویه از بحث در مقاله حاضر است که چه نوع کاری به عنوان کار بی ثبات در آن مورد تحقیق قرار گرفته است. از آنجا که بحث در مورد کار بی ثبات تا همین اواخر عمدتاً در امریکا و اروپای غربی متمرکز بود، جای تعجب نیست که نوع کار مورد تحقیق تقریباً منحصر به کار مزدی "آزاد" و رسمی در بخش های صنعتی و خدماتی است.

بحث در مورد کار غیررسمی، سیاه، سایه، بدون قرارداد و از این قبیل، به تازگی و به یمن کوشش پژوهشگرانی که به کار بی ثبات از منظری جهانی و "جنوب جهانی" نگاه می کنند، با بحث در مورد کار بی ثبات گره خورده است. با بسط معنای "کار" به نحوی که ناظر بر جهان پراکندتر و گسترده تری شامل کارگران مرد و زن، و به ویژه کارگران غیررسمی در جنوب جهانی و اقتصادهای پیرامونی گردد، باید مفهوم خود را از بی ثباتی و بی ثبات کاری، همراه با نقش آن در سرمایه داری، بازتعریف کنیم.

نیز، در پژوهشهایشان بر این نکته (Kessler-Harris)، بوریس و کسلر-هاریس (De Vito) پژوهندگان دیگری چون د ویتو انگشت گذاشته اند که چرخشهای جهانی و جنسیتی در تاریخ کار، موجب تغییر ساختار کار و سپس بازتعریف مفاهیم "کار" و به وسیعترین و محدودترین معنا شده بوده اند. تا همین چند دهه پیش نوع ایدئال (non-work: اوقات نامرتبب به کار) "غیرکاری کار" (آزاد) دستمزدی" در صنعت بود که در اروپای غربی و آمریکای شمالی یک قاعده تلقی می شد. رسمی شدن مفهوم "کار" بر تعریف خود طبقه کارگر تأثیر گذاشت و موجب گسترش معنای آن شد. این گسترش معنایی به یمن مورخان فمینیست و جهانی کار حاصل شد.

حق اعتصاب و تشکل جزء حقوق بدیهی کارگر است!

از مبارزه کارگران و مزدبگیران برای تشکل سندیکا و تشکلهای مستقل و آزادی فعالین کارگری زندانی حمایت کنیم!



مجازات کارگر بجای کارفرما توسط مجاری قانونی

صادق



هیچ کارگری با وجود این همه تهدیدها سرش برای اعتصاب درد نمی کند. اما وقتی که کارفرمایان متکی به حمایت نهادهای فاسد حکومتی حقوق کارگر را لگد مال می کنند و مراجعات کارگران به نهادهایی که موظف به پیگیری شکایات کارگران هستند بی نتیجه می ماند، راه دیگری برای احقاق حق به غیر از اعتصاب و اعتراض خیابانی باقی نمی ماند. با این وصف اعتصاب های کارگری در ایران علاوه بر اینکه وسیله احقاق حق است اعتراض به فساد ساختاری و مبارزه با ارگان های قدرت و لاجرم سیستم حاکم نیز هست. هم از این روست که اعتراضات صنفی هر روز که می گذرد به ناگزیر بیشتر از پیش صنفی- سیاسی می شوند و کارگران و مزدبگیران نیز به تبع آن سیاسی می شوند.

به گزارش خبرگزاری ایلنا دو تن از نیروهای مخابرات اصفهان از کار اخراج و کارفرما با پاک کردن اثر انگشت ۶۲ تن دیگر از ورود به محل کارشان جلوگیری می کند.

علت این اخراج ها و مانع تراشیهای کارفرما، اعتراض کارکنان مخابرات به پرداخت نشدن به موقع مطالبات مزدی آنان و عدم اجرای طبقه بندی مشاغل و شکایت کارکنان معترض به اداره کار بوده است. کارکنان مخابرات در واقع مرتکب هیچ خلاف قانونی نشده اند که مستوجب چنین مجازاتی باشند. زیرا پرداخت نکردن به موقع دستمزد مطابق قانون کار جرم و تخلف محسوب می شود و اجرای طبقه بندی مشاغل در قانون جز حقوق کارگر است و کارفرما مکلف به اجرای آن می باشد.

در این ماجرا کسی که تخلف کرده و مستوجب پیگرد و مجازات است کارفرماست که قوانین را به هیچ گرفته و به میل خود رفتار کرده است.

تنها یک نمونه از هزاران موردی است که سالهاست در کشور ساری و جاری است و در اثر آن "شرکت شسکام مخابرات" رفتار مدیر بدیهی ترین حقوق قانونی کارگر توسط کارفرمایان مورد حمایت حکومت لگد مال شده و می شود و هزاران کارگر و مزد بگیر حق طلب با اخراج و زندان تاوان آن را پرداخته اند و می پردازند.

جای دور نرویم مشابه همین برخورد در یکی دو هفته اخیر با کارگران پتروشیمی رچال در ماهشهر تکرار شد.

کارگر شاغل در این شرکت پرسود که صاحب آن از بابت قرار گرفتن در یکی از مناطق آزاد اقتصادی از معافیت مالی و امتیازات ۴۰۰ متعدد دیگر سود مضاعف هنگفتی کسب می کند، ۱۸ سال است که از روز شروع کارشان همان حق و حقوق اندکی را که قانون ویژه مناطق آزاد برای کارگر در نظر گرفته اجرا نکرده و نمی کند. قرارداد های این کارگران هنوز یک ماهه است و کارفرما چون کارش غیر قانونی است حاضر نشده نسخه ای از قرارداد را در اختیار کارگر قرار دهد.



شکایات کارگران این شرکت به نهادهای متعدد دولتی و حکومتی برای وادار کردن کارفرما به رعایت بدیهی ترین حق و حقوق شان ره بجایی که نبرده هیچ بلکه منجر به مجازات کارگران شاکی شده است

کارگران قبل از اینکه به اعتصاب متوسل بشوند تمام راه های به اصطلاح قانونی را که روی کاغذ وجود دارد پیموده و به هرکس و ناکسی برای دادخواهی متوسل شده اند ولی کوچکترین نتیجه ای از آن نگرفته اند

در اردیبهشت سال ۹۸ کارگران رجال در اعتراض به اجرا نشدن طبقه بندی که امید داشتن با اجرای آن دستمزدهایشان بهبود پیدا کند و کارفرما سالها در اجرای آن تعلل می کرد اعتصاب کردند. مدیر شرکت در آن موقع کارگران را به ناشکیبای متهم کرد و گفت طرح طبقه بندی را مدتی پیش با گرفتن مشاور در دست تهیه داریم. حال دوسال از آن صحبت گذشته است ولی هنوز از اجرای طبقه بندی خبری نیست و یکی از خواسته های کارگران همچنان اجرای طبقه بندی است! همه این مسائل را اداره کار که مسئول نظارت بر اجرای قانون کار است، می داند و با دوز و کلکهای کارفرما نیز آشنایی کامل دارد، اما به وظیفه اش عمل نکرده و نمی کند. فرماندار هم می داند، اما وقتی هم که دخالت می کند، دخالت اش برای خواباندن سروصدا است و نه کمک به احقاق حق کارگر

کارگر به کرات در هنگام بالا گرفتن اعتراضات کارگری از زبان مسئولین مختلف حکومتی، از مسئولین قضایی گرفته تا امنیتی چی ها و وزارت کاری و دولتیها، شنیده اند که به کارگر گفته اند: کارگر انجای اعتصاب مطالبات شان را از طریق مجاری قانونی پیگیری کنید، اما مراجعه به مراجع قانونی نه تنها کوچکترین مشکلی از انبوه مشکلات کارگران و دیگر مزدبگیران را حل نکرده، بلکه خود این مجراها عامل تهدید و مجازات شاکیان و حق طلبانی بوده اند که به آنها رجوع کرده اند

در جریان اعتصاب اخیر کارگران رجال نیوز به درخواست مدیریت پلیس امنیت برای در هم شکستن اعتصاب دخالت می کند. اما پلیس امنیت یا همان یگان ویژه معروف که حقوق اش از بابت مالیات حقوق و ارزش اضافی که کارگر می آفریند، می دهند، چون فضا را مناسب تشخیص نمی دهد از دخالت پرهیزی کند. روز بعد (جمعه) رئیس دادگاه بندر امام که اصولاً حق دخالت در اختلافات کارگری و کارفرمایی و تهدید کارگر را ندارد به قصد تهدید و ارعاب اعتصابیون به سراغ آنان می رود که اثری در قضیه نمی کند و دست از پا درازتر به دفتر کارش بر می گردد

بعد از آن ماموران اطلاعات برای شناسایی و شکار سازمانگران اعتصاب و بازداشت آنان به سراغ کارگران می روند و روز بعد دادستان و رئیس دادگاه برای ۸ تن از کارگران پرونده امنیتی تشکیل می دهند

اینها شمعهای از نحوه ورود غیر قانونی و نحوه برخورد سرکردگان نهادهای حکومتی یا همان به قول گفتنی "مجریان قانونحکی و رسمی" با کارگر است که در غالب اعتصاب های پیشین نیز کم و بیش اجرا شده اند. در این میان خبری از مجرای اصلی قانونی که اداره کار است نیست، چون مراجعه کارگران به این مجری و ناظر قانون هم بی نتیجه بوده است. مضحک اینکه در یکی از گزارشهایی که از این اعتصاب منتشر شد، مدیر شرکت کارگران را پس از همه تهدیدات و بستن دروازه کارخانه به روی کارگران و دادن اخبار تحریک کننده به پلیس برای سرکوب کارگران اعتصابیون را به پیگیری شکایت شان از طریق مجاری رسمی عودت می دهد! چون خیالش راحت است که مجاری رسمی طرف او را ول نمی کنند و طرف کارگر را بگیرند. دلیل این روابطه حسنه و برادرانه بین سرمایه داران رانتهی و خصوصتی چی ها با سرکردگان نهادهای مختلف وابستگی کارفرمایان به حکومت است و یا تطمیع آنان و یا هر دو با هم. در قضیه اسد بیگی و محاکمه او بخشی از اینگونه بده بستانها کلان تا حد دادن رشوه ۵۰۰ سکه طلا فاش شد

با وجود همه این تهدیدات و اقدامات اما کارگران مرعوب نمی شوند و به اعتصاب شان ادامه می دهند. چون مشکلات شان زیاد و گرفتاری های شان آنان را چنان تحت فشار و تگنا قرار داده که نمی توانند از پیگیری حقوق شان دست بکشند

هیچ کارگری با وجود این همه تهدیدها سرش برای اعتصاب درد نمی کند. اما وقتی که کارفرمایان متکی به حمایت نهادهای فاسد حکومتی حقوق کارگر را لگد مال می کنند و مراجعات کارگران به نهادهایی که موظف به پیگیری شکایات کارگران هستند بی نتیجه می ماند، راه دیگری برای احقاق حق به غیر از اعتصاب و اعتراض خیابانی باقی نمی ماند. با این وصف اعتصاب های کارگری در ایران علاوه بر اینکه وسیله احقاق حق است اعتراض به فساد ساختاری و مبارزه با ارگان های قدرت و لاجرم سیستم حاکم نیز هست. هم از این روست که اعتراضات صنفی هر روز که می گذرد به ناگریز بیشتر از پیش صنفی-سیاسی می شوند و کارگران و مزدبگیران نیز به تبع آن سیاسی می شوند

از مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق، همسان سازی و درمان رایگان حمایت کنیم!

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



انتظار می رود بعد از وعده افزایش تنها ۱۰ درصد به حقوق سال آینده کارکنان دولت موجی از نارضایتی و خشم نسبت به این افزایش اسمی ناچیز در میان کارمندان شاغل و بازنشسته شکل بگیرد که در هفته های آتی به اعتراضات گسترده ای منجر شود. این اعتراضات از آنجا که اکثر کارکنان دولت فاقد تشکل هستند، عمدتاً خود بخودی، نامنسجم و پراکنده خواهند بود و لاجرم تاثیرات شان نیز اندک خواهد بود

تداوم اعتراضات همزمان بازنشستگان در چند شهر

در این هفته نیز اعتراضات بازنشستگان تشدید و به صورت هماهنگتری برگزار شد. شمار بزرگی از بازنشستگان در ۱۳ دیماه بار دیگر در شهرهای، اهواز، اصفهان، رشت و تهران با برگزاری تجمع های اعتراضی در مقابل دفاتر تامین اجتماعی خواستار افزایش حقوق های بازنشستگی، همسان سازی واقعی و استمرار آن و درمان رایگان و موثر شدند. بازنشستگان که از سقوط هر روزه ارزش مستمری های خود و گرانی دم افزون هزینه های زندگی خاصه مواد غذایی و دارو و درمان و امتناع دولت از دادن پاسخ مناسب به خواسته هایشان به شدت معترض و خشمگین هستند در تجمع های اعتراضی شان شعارهایی نیز در تقبیح رفتار دولت با بازنشستگان دادند و بر تداوم اعتراضات خود تا رسیدن به مقصود بار دیگر تاکید نمودند

اعتصاب کارگران شرکت پتروشیمی رچال

کارگران (۱۴ دیماه) دوباره تجمع اعتراضی بر پا کردند و به بی توجهی مسئولین و مدیران نهادهای دولتی و اداره کار اعتراض کردند اعتراض کارگران پتروشیمی رچال نیز که با خواست اجرای طبقه بندی مشاغل، پرداخت مزایای مزدی پرداخت نشده، جمعه کاری و تعطیل کاری پرداخته نشده، پرداخت پاداش ویژه پرسنل نفت همچون حق بدی آب و هوا و حق سختی کار، پرداخت ودیعه مسکن، همچنان ادامه دارد. کارفرما و مسئولین دولتی ذریبط تا کنون با ترفندهای شناخته شده و فریبکارانه نتوانسته اند این اعتراضات را فرو نشانند. در این میان عوامل اعتصاب شکن وابسته به خانه کارگر که هیچگاه نه نقشی در اعتراضات کارگران این شرکت داشته اند و نه حمایتی از اعتراض آنان کرده اند تلاش دارند از آب گل آلود ماهی بگیرند و خواستهای روشن کارگران را در حد تشکیل شورای اسلامی فرو بکاهند. این تلاشها در حالی با حمایت نهادهای حکومتی و کارفرما صورت می گیرد که کارگران هرگز خواستار شورای اسلامی نبوده و نیستند و در پی تشکل مستقل هستند



بنا به گزارش کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، مدیران شرکت و مسئولین دولتی سرانجام مجبور به عقب نشینی در مقابل کارگران شدند. بعضی رسانه‌ها نیز خبر از موافقت مدیریت شرکت رجال با ۸ خواسته از ۹ خواسته کارگران داده و نوشته‌اند در مورد یک خواسته آخر هم قرار است دوباره بررسی کنند. با این همه معلوم نیست کارفرما که خواسته‌های کارگران اعتصابی را قبلاً حداکثری اعلام نموده بود تا چه حد به تعهداتش پس از پایان اعتصاب وفادار باقی بماند. تشکیل تشکل مستقل که از خواسته‌های کارگران است می‌تواند نقش موثری در تضمین دستاورد این اعتصاب داشته باشد.

تجمع بازنشستگان معدن البرز غربی

به نوشته خبرگزاری ایلنا بازنشستگان معدن البرز غربی در دوازدهم دیماه در اعتراض به پرداخت نشدن خسارات وارده به خود در هنگام محاسبه حقوق بازنشستگی در مقابل مجلس و ساختمان تهیه و تولید مواد معدنی تجمع و خواستار پرداخت خسارت وارده به خود شدند.

اعتراض بازنشستگان به شرکت ایمیدرو و سازمان تامین اجتماعی است. با وجود اینکه گفته می‌شود مجلس سال پیش دستور پرداخت خسارات به بازنشستگان را داده است، اما این موسسه و تامین اجتماعی هر دو با امتناع از پذیرش مصوبه کمیسیون ۹۰ مجلس پرداخت خسارت به بازنشستگان را تاکنون نپذیرفته‌اند.

گفتنی است که این کارگران که تا ۷ سال پیش در معدن سنگرود کار می‌کردند با تعطیلی معدن تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گرفتند و قرار بود با استفاده از قانون بازنشستگی ویژه کارهای سخت و زیان آور بر اساس آخرین حقوق شان بازنشسته شوند ولی شرکت بعداً از این کار امتناع ورزید و با تبنانی با تامین اجتماعی مبنای بازنشستگی را دوسال عقبتر از موعد مقرر قرار داد. در اثر این اقدام مستمری بازنشستگی این ۱۲۰ کارگر کمتر شد. متأسفانه تا کنون اثری از نرمش در مقابل خواسته قانونی و مبرهن کارگران دیده نمی‌شود.

اعتصاب رانندگان شخصی در پارس جنوبی

بنا به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمان نفت رانندگان ماشین‌های سواری پالایشگاه دواهم پارس جنوبی روز ۱۲ دیماه در اعتراض به حقوق پائین و پرداخت نکردن مطالبات مزدی شان دست به اعتصاب زدند. به نوشته این کانال کارگری وضعیت ۱۸۰۰ راننده که وظیفه ایاب و ذهاب کارگران در پالایشگاه‌های پارس جنوبی را به عهده دارند نامناسب است و از مزایایی چون حق سختی آب و هوا محروم‌اند و به دلیل اینکه تحت چارت سازمانی کارفرمای مادر نیز قرار ندارند، فاقد امنیت شغلی هستند. به نوشته این "کانال رانندگان معترض

در اعتراض به این وضعیت در بیست و یکم آذرماه جمعی از رانندگان شاغل در این پالایشگاه‌ها دست به تجمع اعتراضی زدند. کار " خواست فوری . . "پیمانی و موقت، نداشتن امنیت شغلی یک معضل سراسری برای همه کارگران و کارکنان شاغل در نفت است. کارگران نفت برچیده شدن بساط پیمانکاران و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی

اعتصاب کارگران کاشی سازی تبریز

در ۱۰ آبانماه کارگران کاشی و سرامیک سازی تبریز در اعتراض به خلف و عده پیاپی کارفرما از وعده افزایش دستمزد مبادرت به اعتصاب نموده و خواستار افزایش دستمزدهای خود شدند. کارخانه کاشی و سرامیک سازی تبریز یکی از بزرگترین کارخانه‌های کاشی سازی در ایران است که ۷۵۰ کارگر در آن در سه شیفت کار می‌کنند و از سود آرتترین کارخانه‌ها در نوع خود است. با این اوصاف اما کارفرمای آن مدتهاست به رغم برگزاری چند اعتراض توسط کارگران از افزایش دستمزد آنان طفره رفته و هر بار با امروز و فردا کردن کارگران را سر می‌دواند. کارگران خواسته‌های دیگری مانند استفاده از بازنشستگی مخصوص کارهای سخت و زیان آور دارند که کارفرما با بازنشستگی تعداد کمی از کارگران طبق قانون بازنشستگی سخت و زیان آور موافقت کرده است. طبق یکی از بندهای قانون مذکور کارفرما نیز بایستی موافقت خود را با اجرای قانون مذکور اعلام کند. معلوم نیست این چه قانونی است که اجرای آن در نهایت منوط به تأیید کارفرما شده است

تجمع اعتراضی کارگران پست برای افزایش دستمزد

شمار زیادی از کارکنان شرکت پست در ۱۲ دیماه با برگزاری تجمع اعتراضی خواستار افزایش حقوق خود شدند. کارکنان معترض که در مقابل مرکز وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات جمع شده بودند، نسبت به نادیده گرفته شدن خواسته‌های شان توسط مدیریت



شرکت خواهان همسان سازی حقوق و پرداخت مزایای مزدی و شغلی و پرداخت حقوقی شدند که بتوانند با آن زندگی شایسته داشته باشند.

انتظار می رود بعد از وعده افزایش تنها ۱۰ درصد به حقوق سال آینده کارکنان دولت موجهی از نارضایتی و خشم در میان کارمندان دولت نسبت به این افزایش اسمی ناچیز در میان کارمندان شاغل و بازنشسته شکل گرفته که در هفته های آتی به اعتراضات گسترده ای در میان کارکنان دولت منجر شود. این اعتراضات از آنجا که اکثر کارکنان دولت فاقد تشکل هستند، عمدتاً خود بخودی، نامنجم و پراکنده خواهند بود و لاجرم تاثیرات شان اندک خواهد بود.

کارگران شرکت پتروشیمی شازند خواستار یک سان سازی قراردادهای شغلی خود شدند

کارگران پتروشیمی شازند در ۱۴ دیماه نسبت به وجود قراردادهای متعدد شغلی اعتراض و خواستار یکسان سازی قراردادهای شغلی خود شدند. خبرگزاری ایلنا به نقل از کارگران معترض نوشت:

این کارگران می گویند: این مجموعه حدود ۳۵۰۰ نفر نیروی انسانی دارد که با قراردادهای متفاوت مشغول به کار هستند. طرح "طبقه بندی مشاغل و اعمال ضریب ریالی، حق فراورش، فوق العاده حق جذب، یکسان سازی قراردادها از خواسته های نیروی کار "پتروشیمی شازند است".

وجود قراردادهای کار متعدد در یک واحد از ابداعات مسئولین حکومت اسلامی و کارفرمایان است. هدف از قراردادهای متعدد ایجاد تفرقه میان کارگران، پرداخت دستمزد کمتر و ایجاد رقابت میان کارگران یک واحد و جلوگیری از تشکیل اتحادیه جمعی است. علاوه بر موارد نامبرده این رویه سود مظافعی را نصیب کارفرما نموده دست زدن جمعی به اعتصاب در صورت لزوم را دشوار و شکستن اعتصاب را توسط کارفرما آسانتر می کند. هم از این رو مطالبه یکسان سازی قراردادها حاکی از رشد آگاهی در میان کارگران پتروشیمی شازند دارد و حائز اهمیت بسیاری است.

سندیکای واحد احضار و تهدید ده ها تن از کارگران شرکت کننده در تجمع های اعتراضی را محکوم و به آن اعتراض کرد

به نوشته کانال سندیکای واحد پلیس امنیت از ده ها تن از کارگران این شرکت خواسته است در اعتراضی که قرار است توسط کارگران شرکت واحد در ۱۸ دی برگزار شود شرکت نکنند. در قسمتی از این بیانیه اعتراضی که در کانال تلگرامی سندیکای واحد در ۱۵ دیماه منتشر شد گفته شده:

طی دو روز گذشته ده ها تن از کارگران شرکت واحد تلفنی به مرکز پلیس امنیت تهران احضار شده اند. کارگران در تلفن پلیس امنیت که "با سرشماره +9821218 انجام شده است تهدید شده اند که نباید در اعتراض شنبه ۱۸ دی "روشن کردن چراغ اتوبوس و حرکت با . سرعت ۳۰ کیلومتر و تجمع کارگران تعمیرگاه و توقفگاه در مقابل دفاتر مدیریت در سامانه ها" شرکت کنند

این سندیکا در بخش دیگری از بیانیه خود، اعتصاب و اعتراض

را حق کارگران می داند و از کارگران خواسته است در اعتراض ۱۸ دیماه شرکت کنند و در ادامه می گوید

اعتراض و اعتصاب حق مسلم کارگران برای رسیدن به حقوق شان هست و باید در برابر ایجاد ارباب برای ممانعت از شرکت در "اعتراضات مقاومت کرد. این حق ماست که از مدیریت ناکارآمد بخواهیم که بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل که سالهاست معوق شده است را فوری اجراء کند و دیگر مطالبات معوق کارگران را پرداخت نماید. باید همبستگی داشته باشیم و از مدیریت بخواهیم تا کارگران اخراج از کار سندیکایی که برای دفاع از حق همه کارگران فراقانونی از کار اخراج شده اند، شاغل گردند. پلیس چرا باید همیشه کارگران را تهدید کند؟ اگر بنا باشد پلیس به کارفرما کمک کند که حق کارگران را پرداخت نکنند. کارگران هم با اتحاد و همبستگی و "برگزاری اعتراضات از حق خودشان دفاع می کنند

بپیگرد فعالین صنفی به رغم آزادی با وثیقه چند تن از آنان همچنان ادامه دارد

در این هفته بواسطه اعتراضات گسترده معلمان و فرهنگیان در نقاط مختلف کشور و شرکت هزاران نفر از معلمان در شیراز حکومت آقای مهدی فتحی یکی از فعالین صنفی این شهر را پس از نزدیک به ۴ ماه بازداشت غیر قانونی در ۱۴ دیماه را بطور موقت آزاد کرد و راه بازداشت دوباره این فعال سرشناس صنفی را برای خودش محفوظ نگاه داشت.



خواهان آزادی بی‌قید و شرط " شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه کوتاهی ضمن تأیید خبر آزادی آقای فتحی "تمام معلمان زندانی و مختومه شدن پرونده فعالان صنفی است

کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در گزارش دیگری خبر از به تعویق افتادن محاکمه تعداد دیگری از معلمان داد و نوشت:

دادگاه اعضای هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان خوزستان به اسفندماه موکول شد

بنا بر احضاریه دریافتی توسط وکلا و آقایان #علی_کروشات و #پیروز_نامی و خانم #فرنگیس_نسیمیپور، قرار بود جلسه رسیدگی به اتهامات این فعالان صنفی روز شنبه گذشته برگزار گردد. در همین راستا آقای مصطفی نیلی وکیل افتخاری شورای هماهنگی به همراه فعالان صنفی در زمان مقرر در دادگاه حاضر شدند. اما دادگاه بدون ارائه توضیحی برگزار نگردید

دادگاه می‌توانست عدم برگزاری را به متهمان پرونده و وکلا ابلاغ نماید تا این وکیل شریف مجبور به رفتن از تهران به اهواز نباشد. لازم به ذکر است جمعی از فرهنگیان روز شنبه در حمایت از این فعالان صنفی، آنان را برای حضور در دادگاه همراهی نمودند

خانم نسیمیپور و آقایان نامی و کروشات از فعالان صنفی شناخته شده هستند که در راستای دفاع از منزلت و معیشت معلمان و حقوق دانش‌آموزان با اتهامات واهی امنیتی روبرو شده‌اند و در احضاریه جدید باید هفدهم اسفندماه در دادگاه حاضر شوند

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت قاطع از این فعالان صنفی خواهان مختومه شدن پرونده و صدور قرار منع تعقیب برای آنان است. شورای هماهنگی بر آزادی بی‌قید و شرط تمام معلمان زندانی و مختومه شدن پرونده فعالان صنفی و احضار معلمان تأکید دارد

هزار نفر از کادر درمانی خواستار انجام خواسته هایشان شدند ۵۰

به نوشته خبرگزاری ایلنا ۵۰ هزار نفر از کادر درمانی با راه انداختن کارزاری از رابراهیم رئیسی خواستار پرداخت

فوق‌العاده خاص و تبدیل قراردادهای خود به قرارداد مستقیم شدند. گفتنی است که این دوخواسته بخشی از مطالبات اصلی کادر درمانی غیر رسمی و شرکتهای هستند که به دفعات برای اجرای آنها در شهرهای مختلف اعتصاب و اعتراض کرده‌اند و بواسطه اعتراضات عده محدودی از پرستاران موفق شده‌اند برخی از مطالبات شان را متحقق کنند. با این وصف اکثر کادر درمانی مطالباتی دارند که هنوز مسئولین حاضر به انجام آنها نشده‌اند. پرستاران و سایر پرسنل در مانی در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند در صورت متشکل شدن و مبارزه سازمانیافته به اکثر خواسته هایشان برسند. راه اندازی کارزار با اینکه شکلی از مبارزه صنفی است، اما کم اثرتر از مبارزه سازمانیافته خیابانی و به نوعی عقب نشینی از مبارزه خیابانی است. این روش که بیشتر از طرف تشکلهای حکومتی توصیه می‌شود تاکنون ثمری برای کارگرانی که از آن بهره گرفته‌اند، نداشته و ندارد

متحدانه علیه سیاست آزاد سازی قیمت‌ها و شوک درمانی مبارزه کنیم!

مبارزه برای افزایش دستمزد و حقوق را تشدید کنیم!



انجام اعتراض رانندگان، در خطوط پی آر تی، شرکت واحد به رغم تهدیدات و موانع ماموران امنیتی در تهران در ۱۸ دی ماه



دامنه اعتراضات برای افزایش دستمزد به میان کارمندان قوه قضایی کشیده شد/عکس یکی از تجمعات کارمندان دادگستری و قوه قضایی

کارمندان معترض در تجمع هایشان علیه رئیسی و دولت شعار دادند





مراکز استان جلوی ادارات کل آب

تجمع سراسری فرهنگیان ایران

پیشکسوتان و شاغلین ۴۰۰ شهر کشور

اجرای کامل قانون رتبه بندی

همسان سازی حقوق بازنشستگان

آزادی معلمان زندانی

آموزش رایگان (اصل ۳۰ قانون اساسی)

استخدام رسمی معلمان خرید خدمات آموزشی

پاداش پایان خدمت بازنشستگان ۱۴۰۰

اجرای ماده ۶۴ ق.م.خ.ک

پنجشنبه ۲۳ دیماه ۱۴۰۰ ساعت ۱۰

*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

sabosob@gmail.com

*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>